



وقتی بیلی هالیدی<sup>۲</sup>

خواننده معروف سیاه

پوست آمریکایی مکتب بلوز

و جاز (۱۹۵۹-۱۹۱۵)، ترانه جنجالی «میوه شگفت

انگیز»<sup>۳</sup> را در دهه چهارم اجرا نمود، موجی از نفرت

توأم با شرمساری سراسر آمریکا را فرا گرفت. نفرت

از نژاد پرستی و شرمساری از جنایاتی که نه تنها

در جای جای زمین بلکه حتی در خاک آمریکا نیز

بر سر سیاهپوستان مظلوم می رفت.

## موسیقی شادایست، موسیقی آزادایست

سید عبدالحسین مختاباد

هالیدی با صدای سحر آمیز، گرفته و نجوا گونه اش تصویری درد آلود از نژاد پرستی را ارائه می دهد که روح و قلب هر انسانی را به درد می آورد. برابر نوشته‌ها، گفته‌ها و شنیده‌ها، اثر «میوه شگفت انگیز» همانند بمبی در جامعه هنری، روشنفکری و سیاسی آن زمان صدا کرده و تاثیرات عمیقی را در بهبود وضعیت سیاسی و اجتماعی سیاهپوستان از خود به جای گذاشت. همان تأثیری که رزا پارکس<sup>۴</sup> زن



در «میوه شگفت انگیز»، بیلی هالیدی داستان برخوردش با درختی را شرح می‌دهد که برخلاف روزهای قبل و حتی طبیعت همیشگی اش، میوه عجیبی را ببار آورده است، ترجمه بخش هایی از این ترانه را خالی از لطف نیافتیم:

«بر شاخه درختان جنوبی

میوه شگفت انگیزی آویزانست،

خون بر برگ ها، خون بر ریشه،

همراه با وزش آرام باد جنوب

جسد مثله شده سیاهپوستی بر شاخه

درخت تاب می خورد،

چه میوه شگفت انگیزی بر درخت آویزانست

با چشمانی از حدقه بیرون زده و لبانی در هم پیچیده...

چه میوه تلخ، غریب و شگفت انگیزی...»

شجاع سیاهپوست در دهه پنجاه با امتناع از برخاستن از صندلی اتوبوس در اذهان عمومی و نهادهای مدنی و حقوقی از خود به یادگار نهاد.



تأثیر موسیقی سیاه پوستان در عرصه‌های هنری، اجتماعی و سیاسی جوامع غربی و حتی غیر غربی امری غیر قابل انکار است. در کنار مبارزات نفس گیر رهبران سیاسی نظیر مارتین لوتر کینگ<sup>۵</sup>، نلسون ماندلا<sup>۶</sup> و ... قهرمانان عرصه ورزشی نظیر محمد علی کلی و...، آوا و موسیقی سیاه، علمدار آزادی و برابری بود.

قدرت اسرار آمیز نژاد سیاه در موسیقی، حیرت و شگفتی همگان را برانگیخت. در نیمه اول قرن بیستم که جامعه اریستوکرات مست از قدرت و ثروت، در سالن های پر زرق و برق، آثار موسیقیدانان کلاسیک را در آرامشی مواج گونه می شنید و به آسمان ها پرواز می کرد و در ابرها و بالت هایش غرق می شد، مردم کوچه و خیابان و کافه های متوسط و پایین شهر میزبان موسیقی غربی بودند که بر دل و جانشان می نشست، بر شادی هایشان می افزود و بر زخم های پیدا و نهانشان مرهم می نهاد. موسیقی جاز، بلوز... و این ژانرهای موسیقایی هدیه موسیقیدانان سیاه بود. و اسرار آمیز

آنکه نشاط بخشی این موسیقی از ذهن، زبان و ساز کسانی می تراوید که مجسمه تمام نمای رنج، فقر، تبعیض زدگی و بردگی بودند. کسانی که از ابتدائی ترین حقوق انسانی به سبب رنگ پوستشان محروم بودند، حتی نشستن بر روی صندلی های اتوبوس و نیز پا گذاشتن



به قسمت هایی از شهرشان.

مردم سیاه پوست نزاع و مبارزه خود را با این نابرابری غیراخلاقی و انسانی آغاز نمودند، اما در این پیکار سلاحشان نه تفنگ که تنها موسیقی شان بود.

از اوایل ۱۹۳۰ آواها و نواهای سحر آمیز موسیقیدانان سیاهپوست از کافه ها و تجمعات خصوصی و گروهی سر برون کرده و گوش و هوش خلق را ربود. نچواهای غم آلود بیلی هالیدی، صدای بم و نخراشیده لویس آرمسترانگ<sup>۷</sup> به همراه نوازندگی بی نظیر ترومپتس، آهنگ های سحر آمیز دوک الینگتون<sup>۸</sup>، رقص ها و آهنگ های فرحبخش سامی دیویس و... همه و همه شادی و آرامش را به همه بشریت و آزادی و امنیت را به سیاهپوستان نوید می داد. نفوذ اندیشه و هنر موسیقی سیاهپوستان آن چنان عمیق گردید که دیگر اعمال رفتار نژادپرستی نه یک رفتار غیر قانونی بلکه عملی غیر اخلاقی و غیر انسانی بود که به سرعت و به شدت از سوی خیل عظیمی از روشنفکران، هنرمندان و حتی سیاستمداران مورد اعتراض و شماتت قرار می گرفت، و باید اذعان نمود که محبوبیت موسیقیدانان سیاه پوست از جمله مهمترین عامل در جذب نظر این گروه های ذینفوذ بوده است.

تأثیر موسیقی سیاهپوستان بر موسیقیدانان سفید پوست امری بدیعی است که نیازی به قلمفرسایی نیست. نسل معروف موسیقیدانان جاز و پاپ و راک نظیر گروه بیتل، الویس پریسلی و ... میوه چینان گذران باغ ملون و همیشه سر سبز موسیقی جاز آفریقایی بودند.

اما درختان این باغ ملون در اواخر دهه هفتاد و اوایل دهه هشتاد، «میوه

شگفت انگیزی» را بار آوردند. این میوه برخلاف اسلاف سیاهپوستش مثله شده بر آنان آویزان نبود، بلکه میلیون ها و حتی بیش از یک میلیارد انسان شیفته و حیران او بوده، خواهان چشیدن صدا و هنرش بودند، تا جایی که حتی او را در حد یک بت می پرستیدند. این میوه شگفت باغ موسیقایی سیاهان، کسی نبود جز سیاهپوست جوانی بنام «مایکل جکسون»<sup>۹</sup>.



### میوه شگفت انگیز

مایکل جکسون سال ۱۹۵۸ در خانواده ای متوسط سیاه پوست و موسیقیدان متولد شد. او از پنج سالگی کار خواندن را آغاز و در یازده سالگی فعالیت موسیقایی خود را در گروه خانوادگی خود بنام «پنج جکسون»<sup>۱۰</sup> آغاز کرد. او کوچکترین عضو این گروه بود. مایکل از همان ابتدا با صدا و رقص هایش مورد توجه همگان قرار گرفت. او در طول دو دهه آهنگ ها و کنسرت های فراوانی را با برادرانش اجرا نمود، اما در اواخر دهه هفتاد و اوایل دهه هشتاد بود که تلاش هایش بیار نشست.

بقیه در صفحه ۶۶



## اشعار بکار گرفته شده در آهنگ های جکسون هیچ گاه تهی از مفاهیم عمیق سیاسی و اجتماعی نبود. او در اکثر آثارش ناهنجاری های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حتی محیط زیستی را به چالش می کشاند.

### بقیه در صفحه ۴۴

بی تفاوتی نسبت به مردمانشان و نیز فساد متهم می کند....

مایکل جکسون را مبدع «ام تی وی»<sup>۱۷</sup> نیز می خوانند، البته حرف خارج از قاعده ای نیست زیرا اساساً منشأ تفکر ویدیو کلیپ با آثار مایکل جکسون کلید خورده است. مطابق نظر منتقدین و نویسندگان حوزه موسیقی، اثر «خوفناک» مایکل اولین اثر حرفه ای در تاریخ ویدئو کلیپ موسیقایی است.

بررسی و نقد موسیقایی مایکل جکسون و نیز زندگی هنری او از حوصله و توان این قلم و نیز مقاله خارج است، امید که در فرصتی مقتدم و نیز موضوعی مرتبط تر یا خود و یا عزیزانی که در این زمینه ها اهل قلم هستند به این مهم اهتمام ورزیم.

اما... «...موسیقی شاهپست»  
موسیقی آزادپست...

از زمان ترانه بیلی هالیدی تا امروز حدود شش دهه می گذرد اما آزادی و امنیت سیاهپوستان در خاک آمریکا گویی مسیری هزار ساله را در طی این نیم قرن پیموده، و بلاشک تاثیرات عمیقی بر سایر نقاط کره خاکی نیز از خود به جای نهاده، و این راه دشوار آزادی را سیاهپوستان با ترانه ها و رقص هایشان هموار و آسان نموده اند، همانگونه

که کشیش ال شارپتون، از فعالان جنبش مدنی آمریکا و دوست خانوادگی مایکل جکسون، در مراسم تشییع وی گفت: «توانایی، استعداد و هنر مایکل جکسون «برده رنگین» را کنار زد، این مایکل جکسون بود که سیاه، سفید، آسیایی و لاتین تبارها را در کنار یکدیگر قرار داد و موسیقی اش با همه کسانی که احساس می کردند جدا افتاده اند، ارتباط برقرار کرد»

و در این جا من از ذهن جامعه شناختی ام مدد می جویم و بر روی کلمه «دموکراسی» توقف و تاکید می نمایم. به قول ملای روم:

در اواخر دهه هفتاد شهرت و آوازه اش ابتدا در آمریکا و در طول دهه هشتاد عالمگیر گردید.

آلبوم «خوفناک»<sup>۱۱</sup> معروف به رقص مردگان در ۱۹۸۲ و سپس آلبوم «بد»<sup>۱۲</sup> در ۱۹۸۷ آن چنان شهرت و محبوبیتی برایش بهم زد که تاریخ موسیقی جاز و پاپ نظیر آنرا به خود ندیده است.

مایکل جکسون در این اثر در همه زمینه ها، از خوانندگی و آهنگسازی گرفته تا اشعار و نیز طراحی رقص هایش حرف اول را می زد، و اثحق از عهده همه آنها در حد اعلا بر آمده و باید اذعان نمود که حیرت و شگفتی همگان اعم از اهل هنر و مردم عادی را بر انگیزت. در همه این انگارهها (آهنگسازی، خوانندگی، اشعار و رقص

ها) مایکل جکسون وجوهی کاملاً نو و بدیع را به دنیای موسیقی جاز و پاپ هدیه نمود. رقص هایش گرچه کولازی از حرکات سامی دیویس، گروه بیتل ها، الویس پریسلی و... بود اما در نوع خود بی نظیر و حیران کننده بود. آهنگ هایش با ارکستراسیون بی بدیلش افق های جدیدی را در عرصه موسیقی پاپولار گشود، یعنی آثارش در عین پاپولار بودن مملو از عناصر عمیق هنری و فرهنگی بودند. اشعار بکار گرفته شده در آهنگ

هایش هیچ گاه تهی از مفاهیم عمیق سیاسی و اجتماعی نبود. مایکل در اکثر آثارش ناهنجاری های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حتی محیط زیستی را به چالش می کشاند. بطور مثال در اثر « بزئش»<sup>۱۳</sup> او زدوخورد های خیابانی را که معمولاً بین سیاهان و سفیدپوستان اتفاق می افتاد مورد نگرش قرار داد در اثر «زمین»<sup>۱۴</sup>، او نابودی و از بین رفتن طبیعت به دست بشر را زیر سؤال برده و همگان را به پاسداشت حرمت زمین فرا می خواند، در « سیاه یا سفید»<sup>۱۵</sup> تفکرات نژاد پرستی را نفی می کند، در « آنها واقعا اهمیتی برای ما قائل نیستند»<sup>۱۶</sup>، نظامات سیاسی جهان و سیاستمدارانش را به



این همه آوازاها از شه بود  
گر چه از حلقوم عبدا... بود

فرهنگ تثبیت شده «دموکراسی» در این جوامع ره صد ساله را یک شبه نمود. قابلیت و عمق اعتقاد و اعتماد به آزادی و دموکراسی در نزد سیاستمداران مسیر را برای هنرمندان و اندیشمندان سهل و آسان نمود و البته برای رسیدن به این درجه از «تقوای قدرت» تمامی تواتمندی‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و هنری به جهادی توانفرسا دست یازیدند و این جهاد و مبارزه همچنان جاری و ساری است.

«تقوای قدرت» یعنی اینکه در این جوامع رشد و بالندگی هنرمند و اندیشمند در تضاد با رشد و معروفیت سیاستمداران قرار ندارد، سیاستمداران در این جوامع چونان داوران مسابقه ای هستند که انتظار تشویق از سوی تماشاگران را نداشته و نتیجه بازی نیز تاثیری بر روند فعالیت هایشان ندارد. همین یک دلیل ساده راه رشد و شکوفایی هنر و هنرمند و اندیشمندان را نه تنها در سطح ملی بلکه در منظری بین المللی تضمین می نماید. از هنر دموکراسی همین یک پرده کافیسیت که در جامعه ای در کمتر از نیم قرن پیش که یک سیاهپوست برای نشستن بر روی صندلی اتوبوسش امنیت و اختیار نداشت، اکنون بر قدرتمندترین صندلی ملی و حتی بین المللی سیاهی نه آمریکایی که آفریقایی تبار تکیه زده است.

اما امورات در این سوی کره خاکی همچنان بر یک پاشنه می چرخد، در حالی که حافظ شیرین سخن در قرن هشتم هجری می نالد:

ارغنون ساز فلک رهزن اهل هنرست  
چون ازین غصه ننالیم و چرا نخروشیم  
شاعر شیرین سخن قرن چهارده  
هجری، هوشنگ ابتهاج (سایه) اینگونه  
پاسخش می گوید:

تو یار خواجه نگستی بصد هنر هیهات  
که بر امید دل بیقرار من باشی  
آنتالیا- ترکیه تیرماه ۱۳۸۸

پانویس:

۱ - الهام گرفته از قصیده «سماح سوختن» اثر شاعر نامدار ه. ا. سایه (عشق شادیست، عشق آزادیست...)، سیاه مشق ۴. ص. ۱۸۸  
۲- Holiday, Billie (۱۹۱۵-۵۹) US blues and jazz singer, nicknamed Lady Day.

۳- Strange Fruit

۴- Parks, Rosa , Her simple act of protest galvanize America's civil rights revolution, in ۱۹۵۵, a black women was ordered to give up her seat to a white passenger, when she remained seated, that simple decision eventually led to the disintegrationalized segregation in the South, ushering in a new era of the civil rights movement.

۵- King, Martin Luther, Jr. (۱۹۲۹-۶۸) US Baptist minister and CIVIL-RIGHT leader.

۶- Mandela, Nelson Rolihlahla (۱۹۱۸-)

۷- Armstrong, (Daniel) Luis (۱۹۰۰-۷۱) US jazz trumpeter, singer and bandleader, nicknamed "Satchmo"

۸- Ellington, " Duke" (Edward Kennedy) (۱۸۹۹-۱۹۷۴) US jazz composer, pianist & bandleader.

۹- Jackson, Michel (۱۹۵۸-۲۰۰۹) US pop singer and songwriter. At the age of ۵ he was the youngest member of his brothers' singing group. The Jackson five. His albums ,Got to be THERE (۱۹۷۱) and Off the Wall (۱۹۷۹), launched a major solo career that peaked in the ۱۹۸۰s with elaborate worldwide concert tours and top-selling albums , such as Thriller (۱۹۸۲), Bad ( ۱۹۸۷), and Dangerous (۱۹۹۱)...

۱۰- Jackson Five.

## بخشی از قصیده سماح سوختن

عشق شادی ست ، عشق آزادی ست

عشق آغاز آدمی زادی ست

عشق آتش به سینه داشتن است

دمِ همت بر او گماشتن است

عشق شوری ز خود فزاینده ست

زایش کهکشان زاینده ست

تپش نبض باغ در دانه ست

در شب پيله رقص پروانه ست

جنبشی در نهفت پرده جان

در بُن جان زندگی پنهان

زندگی چیست ؟ عشق ورزیدن

زندگی را به عشق بخشیدن

زنده است آن که عشق می ورزد

دل و جانش به عشق می ارزد

آدمی زاده را چراغی گیر

روشنایی پرست شعله پذیر

خویشتن سوزی انجمن فروز

شب نشینی هم آشیانه روز

آتش این چراغ سحر آمیز

عشق آتش نشین آتش خیز

آدمی بی زلال این آتش

مشت خاکی ست پر کدورت و غش

تنگ و تاری اسیر آب و گل است

صنمی سنگ چشم و سنگ دل است

## هوشنگ ابتهاج